

بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی

ابوالفضل ذوالفقاری^۱، سیده زهرا حسن زمانی^۲

چکیده

عدالت از جمله والاترین آرمان‌های انسانی است که دارای سابقه‌ای همپای قدیمی‌ترین جوامع انسانی می‌باشد. از آنجایی که مردم از نظر مفهومی و وابستگی به ارزش‌ها، برداشت‌های مختلفی از عدالت دارند و تحلیل نابرابری‌های اجتماعی عینی در یک جامعه بدون توجه به بعد ذهنی و ادراکی آن می‌تواند استنتاج نادرستی به ارمغان آورد؛ از سوی دیگر دین و مذهب با جامعه آمیختگی دیرینه‌ای دارند ممکن است نوع دینداری افراد بر نگرش و برداشت آنها از عدالت اجتماعی مؤثر باشد. بنابراین در این مطالعه در پی پاسخ به این سوال بودیم: آیا می‌توان نگرش متفاوت افراد نسبت به عدالت اجتماعی را مرتبط با نوع دینداری آنها دانست؟ در این پژوهش، دیدگاه‌های نظری به عدالت اجتماعی در چهار رویکرد نیاز، برابری، انصاف و فردگرایی اقتصادی دسته بندی شده‌اند و از میان نوع شناسی‌های مختلف دینداری، از نوع شناسی شپرد استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه شاهد بودند که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران 382 نفر برآورد شده است. همچنین در این تحقیق از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه بین نگرش به عدالت اجتماعی و نوع دینداری دانشجویان بود، به نحوی که هر چه دینداری آنها عقلانی‌تر و متجددانه‌تر شود نگرش آنها به عدالت اجتماعی نیز لیبرالیستی‌تر می‌شود و برعکس هر چه دینداری سنتی‌تر شود، نگرش آنها به عدالت اجتماعی نیز سوسیالیستی‌تر می‌شود. از نظر نوع نگرش به عدالت اجتماعی نیز نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان نگرشی رالزی (دیدگاه ترکیبی) به عدالت اجتماعی داشتند.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، دینداری، دانشجویان، سکولاریسم، تجدیدگرایی، سنت‌گرایی

^۱ عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه شاهد

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه شاهد

مقدمه

عدالت مفهومی دیرینه در نظام‌اندیشگی و معرفتی انسانهاست که از دیرباز ذهن بسیاری از اندیشمندان و نظریه پردازان را به خود مشغول داشته است و یکی از مهم‌ترین ارزش‌های عمده جوامع بشری در طول تاریخ در نگاه برخی از فیلسوفان سیاسی می باشد. مفهومی که مطلوبیت و ارزشمندی آن کمتر مورد پرسش قرار می گیرد و به سخن بهتر بر سر «ارزش اجتماعی» آنها توافق عام وجود دارد (گراهام، 1989: 53). اما اینکه تا چه میزان درک و نگرش مشترکی از این مفهوم وجود داشته و تفسیر و درک افراد تحت تأثیر کدامین عامل بوده است، جای سؤال وجود دارد.

از آنجایی که عدالت یک امر انتزاعی و ارزشی می باشد و در بیشتر مواقع با توجه به شرایط فرهنگی، تاریخی جامعه و ارزش‌های افراد تعریف شده و مصادیق و دلالت‌های خاص خود را پیدا می‌کند. لذا می‌توانیم انتظار داشته باشیم که برداشت‌های متفاوتی از آن وجود داشته باشد.

در یک دوره تاریخی عدالت به معنای اعمال تنبیه و جزا دادن است و در دوره تاریخی دیگر، بیشتر به معنای برخورداری از منابع جامعه است. در یک مکتب سیاسی (مانند مکتب لیبرالیسم) عدالت تحت الشعاع آزادی قرار می گیرد و در مکتب دیگر (مانند مکتب سوسیالیسم)، عدالت بر آزادی ارجحیت دارد (حقیقت، 1376: 374) و در مکتب دیگر (مانند مکتب لیبرال - دموکراتیک) عدالت، آمیزه‌ای از برابری و آزادی می‌شود (هزارجریبی، 1390: 44). برخی از افراد برابری را به معنای عدالت می فهمند، حال آنکه برخی دیگر، عدالت را در تحقق و لحاظ کردن «نابرابری» بین افراد جست و جو می‌کنند. برای نمونه می‌توان به تفاوت برداشت ارسطو با افلاطون در ادبیات کلاسیک عدالت یا تفاوت‌های جدی در برداشت از عدالت در عصر مدرن، بین سوسیالیست‌ها و لیبرالیست‌ها اشاره کرد.

بنابراین می‌توان دریافت که مفهوم عدالت، مفهومی برساختی است که توسط افراد جامعه ساخته می‌شود. و درک آن بستگی به اجتماع و ارزش‌ها و هنجارها و عوامل به وجود آورنده آن دارد. و همراه با دگرگونی ارزش‌ها - چه ارزش‌هایی که منشأ دینی دارند و چه ارزش‌هایی که منبعث از فرهنگ و آداب و سنن جامعه‌اند - درک ما از مفهوم عدالت و تصور ما از عدالت خواهی نیز به تدریج دگرگون می‌شود (ناقد، 1386: 5).

از سوی دیگر، دین در دوره‌های تاریخی مختلف و در تمامی جوامع و از جمله در جامعه ما وجود داشته است. همان طور که درک و نگرش‌های مختلفی از عدالت وجود دارد، در زمینه دینداری هم آنچه مسلم است همه مسلمانان و دینداران یک برداشت واحد از دین ندارند. لذا انواع دینداری وجود دارد.

در اوایل قرن نوزدهم وقتی اندیشه مدرنیته وارد جامعه ایران می‌شود، به تدریج حوزه‌های وسیعی از فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که این اندیشه باعث تغییر در بخش اعظم نگرش‌های اجتماعی می‌گردد و چالش‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف فکری - اجتماعی ایجاد می‌کند. رویارویی جامعه و بخصوص دین با مدرنیته و تحول عقل در دنیای جدید باعث ظهور قرائت‌های جدید از دین شده است. گروهی از اندیشمندان مسلمان شامل سنت‌گرایان در رویارویی با مدرنیته تمایل دارند انگاره‌های مدرن و نهادهای مدرن را به طور ریشه‌ای به چالش بگیرند. گروهی دیگر که تجدد خواه خوانده می‌شوند، تمامیت مدرنیته را به عنوان تنها وسیله برای بازسازی انگاره‌های اسلامی می‌پذیرند اما گروه سوم تلاش دارند عناصری از مدرنیته را که مفید و سازنده و سازگار با عناصر پویای سنت می‌شناسند، برگزینند (ذوالفقاری، 1389: 103 - 104).

همان طور که گفته شد، برداشت از عدالت براساس نظام ارزشی و ارزش‌های خاص حاکم بر اندیشه افراد شکل می‌گیرد. دین و دینداری نیز، به عنوان یک نظام ارزشی عمده و غالب در جامعه ما، می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد نسبت به عدالت باشد. به گونه‌ای که حتی برخی افراد، برداشت خاصی از عدالت، یعنی مساوات طلبی، را برخاسته از اندیشه‌های دینی می‌دانند (تیندر، 1374: 57). با توجه به این امر می‌توان گفت که همه مسلمانان در مورد مقوله‌های ارزشی به یک شیوه نمی‌اندیشند و هر کس متناسب با تفسیر و قرائتش از دین معیاری را در عدالت پیشنهاد می‌کند و آن معیارها را اصول اجرای عدالت می‌داند.

بنابراین در این مطالعه با توجه به اینکه عدالت مفهومی گسترده و اسطوره‌ای است که هر کسی معنای خود را بر آن بار می‌کند و صاحبان قرائت‌های گوناگون از دین، هر کدام یک معنایی را بر عدالت بار می‌کنند، در پی پاسخ به این سوال هستیم که آیا می‌توان نگرش متفاوت افراد نسبت به عدالت اجتماعی را مرتبط با نوع دینداری آنها دانست؟ البته در این پژوهش تلاش بر این است که نگرش دانشجویان را مورد بررسی قرار دهیم. به لحاظ اینکه

دانشجویان از یک سو پیشگام‌ترین گروه روشن فکری جامعه در اعتراض به نابرابریها، بی عدالتیها و ستمهای حاکمیت‌های توتالیتار در سطح منطقه‌ای و جهانی هستند و از سوی دیگر داشتن نوعی قرائت از دین مستلزم سواد و دانش است.

برای آنکه نظریه عدالت در جامعه بتواند مبنای توزیع منابع امکانات قرار گیرد و با واکنشهای منفی مواجه نشود، باید از سوی افراد جامعه نیز، هم مورد حمایت و اعتنا و هم به خوبی شناخته شود. براین اساس، به لحاظ پژوهشی، فراهم آوردن پشتوانه‌ای تجربی برای حمایت از نظریه عدالت در جامعه از اهمیت کافی برای تحقیق برخوردار است. البته تلاشهایی در این باره صورت گرفته و تحقیقات و مطالعاتی انجام شده است که نشان دهنده اهمیت و ارزشی است که عدالت اجتماعی در بستر کلی کشور دارد. اما در این زمینه باید مطالعات بیشتر صورت گیرد چرا که عدالت اجتماعی یک مفهوم کلیدی در مقوله سیاست اجتماعی است، شایسته است علی رغم پیچیدگی‌های بسیار، باز هم مورد توجه قرار گیرد.

چهارچوب نظری پژوهش

به طور کلی بحث پیرامون رابطه دین با عدالت یکی از مباحث بنیادینی است که ذهن‌اندیشمندان و نظریه پردازان جامعه شناختی را به خود مشغول کرده است. یکی از این نظریه پردازان کلیفورد گیرتس³ (1926) می باشد از نظر وی دین، به عنوان بخشی از یک نظام فرهنگی با سه تجربه ی سردرگمی، رنج و شر که جهان را تهدید به بی معنایی می‌کند سرو کار دارد و می‌کوشد با توضیح پذیر ساختن رخدادها و تجربه‌های نابهنجار و ارتباط دادن این مسائل با قلمرو گسترده‌تری از واقعیت، آنها را توجیه کند. همچنین دین بر آن است تا نشان دهد که این رخدادها مانند تجربه نابرابری و بی عدالتی، تنها به ظاهر وجود دارند و اگر انسان نظر گسترده‌تری به آنها داشته باشد، در می‌یابد که حتی همین بی عدالتی‌ها نیز الگوی معنی داری دارند و حتی شیوه بسیار رایج در توجیه این واقعیتها، این ادعا است که بی عدالتی‌ها در این جهان با دادگری در جهان دیگر جبران خواهد شد (همیلتون، 1377: 274-278).

1. Klifford , Geertz

پیتتر برگر^۴ نیز کار دین را مشروع ساختن و درک پذیر ساختن تجاربی که ممکن است باعث از هم گسیختگی اجتماعی و نابسامانی شوند، می‌داند که به پیروی از وبر، تبیین این تجربه‌ها را توجیه مذهبی می‌نامد. یکی از این تجربه‌ها، تجربه بی عدالتی و نابرابری است. دین از طریق توجیه مذهبی می‌تواند پذیرش این تجربه‌ها را برای افراد آسان‌تر کند. به قول برگر «دین یکی از موثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است که کارش حفظ یک برداشت سامانمند و معنی‌دار از واقعیت است» (برگر، ۱۹۷۳: ۹۴).

ماکس وبر نیز می‌پذیرد که میان دین و رنج پیوند بسیار نزدیکی برقرار است. به نظر وی، دین با یک «توجیه الهی» که از رنج می‌کند، یکی از نیازهای ژرف و عام بشر را برآورده می‌سازد. نیاز شدید به این احساس دارند که تفاوت آنها بر مبنای استحقاق و عدالت استوار است و رنج و بدبختی شان جنبه تصادفی نداشته بلکه جزئی از یک الگوی معنی‌دار و نظم عادلانه می‌باشد. وبر معتقد است که دین اساساً پاسخی است به دشواریها و بی‌عدالتیهای زندگی و می‌کوشد تا نشان دهد که بی‌عدالتیهای آشکار جهان تنها ظاهری‌اند در نتیجه، انسانها را قادر به کنار آمدن با آنها می‌سازد (همان، ۱۳۸۱: ۲۴۱).

وبر در اثر معروف خود «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری»، معتقد است که «ریاضت‌گرایی مذهبی این تأمین آرامبخش را بوجود آورد که توزیع نابرابر اشیاء مادی موهبت خاص از جانب پروردگار است و تفاوت‌های طبقاتی مقاصدی پنهانی و ناشناخته دارد.» (وبر، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

اما نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار داد این است که در مطالعه رابطه دین یا دینداری با عدالت باید به رابطه‌ی نوع برداشت یا تفسیر و قرائت افراد از دین و نگرش آنان به عدالت اجتماعی پرداخت. به این منظور در این تحقیق از نظریه رالز و کانت به عنوان چارچوب نظری برای تبیین این رابطه استفاده شده است.

رالز^۵ (۱۹۲۱-۲۰۰۲)، مهمترین فیلسوف سیاسی قرن بیستم و یکی از نظریه پردازان برجسته عدالت، وجود نابرابری و انباشت ثروت را تا جایی که به نفع طبقات محروم باشد، پذیرفته است. وی معتقد است کسانی که نفع بیشتری به اجتماع می‌رسانند حق دارند از امکانات جامعه نیز بیشتر برخوردار باشند. وی ضمن احترام کامل به حقوق مالکیت افراد،

^۲. Berger, Petter

^۱. Rawls, John

حرکت جامعه و دولت را به سمت کاهش شکاف طبقاتی می‌داند و دولت را دولت رفاهی می‌داند که باید ضروریات اولیه افراد را تأمین کند. او همزمان به «عدالت» و «آزادی» اهمیت می‌دهد.

وی عمیقاً متأثر از اندیشه‌های کانت، فیلسوف برجسته آلمانی بود به طوریکه او بارها نظریه خویش را نظریه‌ای کانتی می‌خواند که بر پایه تلقی کانت از فرد اخلاقی و فرمان‌های نامشروط یا مطلق شکل گرفته است (دیرباز، مهری، ۱۳۸۹: ۵۹). رالز ضمن اشاره به اصل اول عدالت خویش؛ یعنی آزادی برابر افراد و مقدم بودن آزادی‌هایی که این اصل تعریف می‌کند، مدعی می‌شود که این اصل از تفسیری کانتی از عدالت قابل استنتاج است (همان، ۱۳۸۹: ۵۷).

عدالت در نظر رالز و کانت، امری فردی، عقلانی و مبتنی بر اراده انسان‌هایی باشد به گونه‌ای که هر فرد حکم خرد ناب (عقل محض) را دارد؛ یعنی فقط به ندای وجدان خودش گوش می‌دهد و برای جلب منافع فردی خویش از دیگران به عنوان وسیله وصول به اهداف و آمال خویش بهره‌مند نشود. از سوی دیگر همانطور که کانت معتقد بود، عدالت به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی، یک امر برون دینی و پایه و اساس دین و دینداری می‌باشد و مقدم بر دین می‌باشد^۶ لذا دین متکی بر اصول اخلاقی می‌باشد و برای حفظ کلیت و جامعیت خود باید همواره بر عقل ناب بنا شود و دین را باید از اصول عقلانی استخراج کرد (کانت، ۱۳۷۴: ۱۶۰). براین اساس از آنجایی که از نظر کانت عدالت یک عمل اخلاقی است و دین هم بخصوص در جامعه ما منبع اساسی هنجارگذار اخلاق و ارزش‌هاست، پس به طریق اولی می‌توان استنباط کرد که بین دین و عدالت رابطه وجود دارد. اما از دین و عدالت درک و نگرش‌های مختلفی وجود دارد و همه دینداران نگرش و برداشت واحدی از دین (اسلام) ندارند لذا انواع دینداری وجود دارد. دراین خصوص از نظریه‌ی انواع دینداری ویلیام شپرد^۷ استفاده شده است.

^۶ در صورتی که در جامعه ما، دین مقدم بر عدالت می‌باشد و اخلاق و عدالت منبعث از دین و یک امر درون دینی است و دین مبنای اخلاق و در نتیجه مبنای عدالت می‌باشد.

3. Shepard, E. William

شپرد اقسام اصلی دینداری در بین مسلمانان را عبارت می‌داند از سکولاریزم⁸، تجددگرایی اسلامی⁹، اسلام‌گرایی رادیکال¹⁰، سنت‌گرایی جدید¹¹ و سنت‌گرایی. شپرد این تقسیم‌بندی‌ها را به عنوان مقوله‌های کاملاً جدا در نظر نمی‌گیرد بلکه آنها را به عنوان نقطه-هایی بر روی یک طیف دو بعدی قرار می‌دهد. همچنین با توجه به نظریه راسینسکی، انواع نگرش به عدالت را در مجموع به سه نگرش کلی سوسیالیستی، ترکیبی (رالزی) و لیبرالیستی تقسیم شده است.

فرضیه‌های پژوهش

- 1- به نظر می‌رسد بین نوع دینداری فرد و نوع نگرش او به عدالت اجتماعی رابطه وجود دارد. به نحوی که هر چه نوع دینداری افراد عقلانی‌تر باشد نگرش آنها نسبت به عدالت اجتماعی فردی‌تر (لیبرالیستی‌تر) می‌شود و هر چه نوع دینداری افراد سنتی‌تر باشد نگرش آنها نسبت به عدالت اجتماعی مبتنی بر برابری (سوسیالیستی‌تر) خواهد شد.
- 2- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس) و نگرش به عدالت اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه و اهداف تحقیق و امکانات اجرایی روش پیمایشی¹² می‌باشد. ویژگیهای بارز پیمایش گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آنها است. هر چند فنون گردآوری اطلاعات و داده‌ها، فنونی از قبیل مصاحبه عمیق و مصاحبه ساختمند، مشاهده و تحلیل محتوا و جزاینها نیز می‌باشد، اما مهمترین و عمومی‌ترین ابزار در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به روش پیمایشی، پرسشنامه است (دواس، 1384: 13) که در این تحقیق از این ابزار استفاده شده است.

⁴. Secularism

⁵. Islamic Modernism

⁶. Radical Islamism

⁷. Modern Traditionalism

¹. Survey

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران و دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ می باشد که آماردانشجویان دانشگاه تهران با مراجعه به مرکز انفورماتیک آن بدست آمده ۵۳۶۴۸ نفر، و آمار دانشجویان دانشگاه شاهد با مراجعه به مرکز اطلاعات و آمار ۵۴۹۲ نفر می باشد. روش نمونه گیری اتخاذ شده برای پژوهش حاضر، روش طبقه‌ای متناسب است که در آن، نمونه تحقیق به گونه‌ای انتخاب می‌شود که زیر گروه‌ها در حد امکان، به همان نسبتی که در جامعه وجود دارند در نمونه نیز حضور یابند (سرایی، ۱۳۷۴: ۱۲۸). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر محاسبه شده است که با استفاده از فرمول تناسب ۳۳۲ نفر برای دانشجویان دانشگاه تهران و ۵۰ نفر برای دانشجویان دانشگاه شاهد بدست آمد. در این تحقیق برای دستیابی به اعتبار ابزار سنجش، از اعتبار معیار استفاده شده است و محاسبه ی ضریب روایی (آلفای کرونباخ) برای هر یک از شاخصها نشان داد که ابزار سنجش از پایایی مطلوبی برخوردار است. ضریب پایایی برای شاخص نوع دینداری ۰/۷۹ و برای شاخص نگرش به عدالت اجتماعی ۰/۸۳ بوده است.

قابل ذکر است که گویه‌های عدالت اجتماعی تلفیقی از دو پرسشنامه راسینسکی و وحید نیا می باشد. پرسشنامه راسینسکی برای اولین بار با ساخت مقیاس عدالت اجتماعی بر مبنای چهار مقیاس عدالت شامل عدالت مبتنی بر فردگرایی اقتصادی، برابری، انصاف و نیاز، انواع نگرش به عدالت اجتماعی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده است.

متغیر وابسته: نگرش به عدالت اجتماعی^{۱۳}

منظور از نگرش به عدالت در این تحقیق، معنا و برداشتی است که افراد از عدالت اجتماعی در ذهن دارند. چنانچه مفاهیم و معانی عدالت را در سطح «جامعه» تعریف کنیم به مفهوم عدالت اجتماعی دست می یابیم. عدالت در سطح جامعه به معنی دادن جایگاه شایسته به هر کس و دادن حق به هر فرد ذی حق است. به عبارت دیگر، جامعه باید رفتار یکسانی با تمام کسانی که شایستگی یکسانی دارند، داشته باشد و هر کس در جامعه بتواند به پاداش متناسب با شایستگی خود برسد (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۱۱).

1. Attitude Towards Social Justice

مرنیون¹⁴ عدالت اجتماعی را مجموعه‌ای از حقوق و وظایف تعریف می‌کند که رابطه بین افراد و جامعه را هدایت می‌کند. رالز، عدالت اجتماعی را ضابطه‌ای عمومی برای تعیین شئون لازم الرعایه و برای ارزیابی جنبه‌های توزیعی ساختار اساسی جامعه تعریف می‌کند (مرنیون، 1989: 848). ویژگی اصلی عدالت اجتماعی آن است که تحقق آن در جامعه انسانی عملی است. از اینرو نظریه‌های مدرن عدالت بیش از همه به تفسیرهای مکانیکی و فیزیکی تغییر ماهیت داده‌اند و همین امر باعث گردیده است که نظریه‌های عدالت در حوزه اقتصاد تکامل بیشتری بیابند. عدالت اقتصادی نه تنها بخش اعظم عدالت در جامعه را در برمی‌گیرد، بلکه حتی می‌تواند به عنوان تمام جوانب عدالت اجتماعی نگریسته شود چرا که تمایلات، منافع، شرایط و رقابت بین افراد را می‌توان به بیان اقتصادی و براساس شاخص‌های مربوط توضیح داد (عیوضلو، 1389: 12).

یکی از مهمترین بخش‌های عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی است. به طور کلی، مهمترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات، منابع یا در مورد اجناس کمیاب است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب پیدایش خواسته‌ای رقیب می‌گردند (کولم، 1996: 31). بنابراین، مساله عدالت اقتصادی یا توزیعی، مساله استخراج قاعده‌ای است برای توزیع موارد خواستنی (چیزهای مطلوب) در بین افراد جامعه (سیلور، 1989: 133).

در زمینه توزیع امکانات جامعه گرایشهای متفاوتی وجود دارد. یکی از این گرایشهای عمده دیدگاه سوسیالیستهای باشد که در زمینه توزیع امکانات و منابع، خواستار مساوات طلبی افراد - بدون در نظر گرفتن استعدادها و شایستگیهای آنها می‌باشند و بر نیازهای اساسی افراد تأکید می‌کنند. و دیگری، دیدگاه لیبرالیستها که خواستار اصول تخصیص و توزیع مطابق با ارزش‌های فردگرایی و برحسب استحقاق و شایستگیهای افراد هستند، می‌باشد. اما نظریه عدالت رالز از یک سو از منظر لیبرالی قائل به اولویت اصل آزادی است و از سوی دیگر، عدالت را مدنظر دارد. به همین دلیل نظریه او هم از سوی متفکران لیبرالی که به اصل آزادی اهمیت خاصی می‌داند و هم متفکران مارکسیستی که خواستار برابری اجتماعی بودند، مورد توجه و تحسین قرار گرفت. او در عین حال که بر مساوات افراد در آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند، نابرابریها را با در نظر گرفتن «خیر عمومی» و رعایت

². Murnion

شایسته سالاری و به شرطی که به زیان محرومان تمام نشود، مجاز می‌شمارد زیرا به اعتقاد او برابری مطلق انگیزه تحرک و ازدیاد ثروت را از اجتماع می‌گیرد و آن را به واحدی راکد و کسل کننده مبدل می‌سازد.

نگرش به عدالت اجتماعی براساس یک مقیاس 22 گویه‌ای اندازه‌گیری شد. برخی از گویه‌های این متغیر با یک مدرج 5 درجه‌ای شامل بسیار مخالف، مخالف، تا حدودی، موافق و بسیار موافق سنجیده شده‌اند و نمره‌های 1 تا 5 را گرفته‌اند که با ادغام درجه‌های بسیار موافق و موافق در هم از یک سو و ادغام درجه‌های بسیار مخالف و مخالف از سوی دیگر در نهایت مدرجی 3 درجه‌ای که نمرات 1 تا 3 را به خود اختصاص دادند. و برخی دیگر با یک مدرج 3 درجه‌ای ارائه شده‌اند. به این ترتیب دامنه تغییرات این متغیر حداقل 22 تا حداکثر 66 بود که تبدیل به سطح سنجش فاصله‌ای می‌شود. نحوه عملیاتی کردن عدالت اجتماعی در جدول شماره 1 نمایش داده شده است.

متغیر مستقل: نوع دینداری

به لحاظ واژه‌شناسی، دینداری صفت مفهوم دین است و از این نظر نسبی است. یعنی مصداق قطعی و مطلق برای آن نمی‌توان معلوم کرد و به این لحاظ دارای مراتبی است و بین دو وضعیت حداقلی و حداکثری جای می‌گیرد. به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه این دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی و دیندار مصداق و جلوه‌ای از آن است. دینداری که واحد مشاهده آن در اصل افراد هستند بر این اساس تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه فیاض و قدسی است. بنابراین دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد خود را با یک منبع فیاض که از نظر وی در دین متبلور است، هم ذات گرداند و بر این اساس، میزان و جهت همذات‌انگاری فرد با دین مورد نظر وی، دینداری او را روشن می‌سازد (میرسندسی، 1383: 83-85).

به طور خلاصه دینداری را می‌توان در دو سطح و دو لایه تقسیم بندی کرد: به لحاظ سطح (طول) دینداری دارای دو هسته مرکزی و پیرامونی است. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی (میزان دینداری) و گونه‌های دیگر از دینداری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند (انواع دینداری)، لایه‌های پیرامونی

دینداری را شکل می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان لایه‌های پیرامونی را ضرورت‌های تاریخی ادیان نیز محسوب کرد که با توجه به این امر ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش‌های معرفت‌شناسانه رقیبان دین و ضرورت‌های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده‌اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته‌اند (همان: 125 - 126). بنابراین همه افراد یک برداشت واحد از دین ندارند بلکه برداشت‌های متفاوت دارند و در نتیجه این برداشت‌ها و نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها نسبت به دین، انواعی از دینداری خواهیم داشت (ذوالفقاری، 1387: 216).

جدول 1: نحوه شاخص سازی مفهوم نگرش به عدالت اجتماعی

معرف نگرش عدالت اجتماعی	برابری / نابرابری	نحوه تلقی از فاصله طبقاتی و اختلاف درآمد	آزادی یا برابری (عدالت)	نیاز / استحقاق (محوریت نظریه)	نحوه تلقی از محدوده دخالت دولت	نوع نگاه به طبقات پایین و محروم جامعه	هستی شناختی	مالکیت خصوصی/ عمومی
نگرش سوسیالیستی	برابری در درآمد و برخورداری از امکانات (تحصیلی، بهداشتی، تفریحی و ..)	مخالفت شدید و رد وجود هر گونه فاصله طبقاتی	اعتقاد به تقدم برابری (عدالت) بر آزادی	عدم توجه به شایستگی‌های افراد. بازتوزیع ثروت بر اساس اصل برابری و نیاز (از هر کس به اندازه توانایش و به هر کس به اندازه نیازش). نظریه نیاز - محور	تأکید بر دخالت زیاد دولت در همه امور و حوزه‌ها (تقسیم امکانات اولیه، برآوردن نیازهای افراد، و ...)	توجه به طبقات پایین جامعه. دلسوزی و ترجم نسبت به آنها	جمع گرایانه (اصالت جامعه)	تأکید بر مالکیت عمومی
نگرش لیبرالیستی	اعتقاد به نابرابر بودن افراد و نابرابری در برخورداری از امکانات. اعتقاد به پرداخت مساوی مالیات در تمام اقشار.	ضرورت وجود فاصله طبقاتی برای پیشرفت و ترقی جامعه.	تقدم آزادی بر برابری (عدالت)	توجه به شایستگی افراد در برخورداری از امکانات. توزیع برابر فرصت‌ها به منظور تحقق شایستگی افراد. نظریه حقوق (استحقاق) محور	خواهان کمترین دخالت دولت خصوصاً در زمینه اقتصاد	عدم توجه به طبقات پایین و محروم جامعه	فردگرایانه (اصالت فرد)	تأکید بر حفظ مالکیت خصوصی و آزادی افراد در ثروت‌اندوزی

نگرش ترکیبی سوسیالیستی - لیبرالیستی (رالزی)	پذیرش نابرابری در برخورداری از امکانات در حدی که به زبان محرومان نینجامد. پذیرش اصل برابری منصفانه فرصت‌ها. پذیرش برابری افراد در آزادی و در برابر قانون.	پذیرش فاصله طبقاتی در حدی که برای پیشرفت جامعه ضروری باشد. وضع سیستم مالیاتی تصاعدی برای تعدیل شکاف طبقاتی.	توجه همزمان به آزادی و برابری.	توجه به تلاش افراد با رعایت اصل انصاف در مورد دیگران. توزیع ثروت براساس اصل انصاف و تلاش فردی نظریه انصاف محور	دخالت دولت در حد کاهش و تعدیل شکاف طبقاتی، برآوردن ضروریات اولیه افراد (خواهان دخالت محدود دولت).	توجه به طبقات پایین جامعه در برخورداری از امکانات و منتفع ساختن آنها.	فردی - جمعی	رسیدن به یک عدالت توزیعی بدون الغای مالکیت خصوصی
--	---	--	---	---	---	---	----------------	---

متغیر مستقل: نوع دینداری

به لحاظ واژه شناسی، دینداری صفت مفهوم دین است و از این نظر نسبی است. یعنی مصداق قطعی و مطلق برای آن نمی‌توان معلوم کرد و به این لحاظ دارای مراتبی است و بین دو وضعیت حداقلی و حداکثری جای می‌گیرد. به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه‌ای بین دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی و دیندار مصداق و جلوه‌ای از آن است. دینداری که واحد مشاهده آن در اصل افراد هستند براین اساس تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه فیاض و قدسی است. بنابراین دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد خود را با یک منبع فیاض که از نظر وی در دین متبلور است، هم ذات گرداند و براین اساس، میزان و جهت همذات انگاری فرد با دین مورد نظر وی، دینداری او را روشن می‌سازد (میرسندسی، 1383: 83-85).

به طور خلاصه دینداری را می‌توان در دو سطح و دو لایه تقسیم بندی کرد: به لحاظ سطح (طول) دینداری دارای دو هسته مرکزی و پیرامونی است. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی (میزان دینداری) و گونه‌های دیگر از دینداری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند (انواع دینداری)، لایه‌های پیرامونی دینداری را شکل می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان لایه‌های پیرامونی را ضرورت‌های تاریخی ادیان نیز محسوب کرد که با توجه به این امر ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش‌های معرفت شناسانه رقیبان دین و ضرورت‌های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده‌اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته‌اند (همان: 125 - 126). بنابراین همه افراد یک برداشت واحد از دین ندارند

بلکه برداشت‌های متفاوت دارند و در نتیجه این برداشت‌ها و نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها نسبت به دین، انواعی از دینداری خواهیم داشت (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۱۶).

مبحث انواع دینداری و به تعبیر دیگر طرز تلقی نسبت به دین از زوایای گوناگون و از دیدگاه صاحب نظران مختلف مورد بررسی و توضیح قرار گرفته است. از مجموع آن مباحث، گونه شناسی ویلیام شپرد که براساس خصوصیات جوامع اسلامی طراحی شده مبنای پژوهش قرار گرفته است. شپرد انواع دینداری در جوامع اسلامی را به دینداری سکولار (افراطی، معتدل)، دینداری تجددگرایانه (انعطاف پذیر، افراطی و توجیه گرا)، دینداری اسلام گرایی رادیکال (با جهت گیری بنیادگرایانه)، دینداری سنت‌گرایانه (با جهت گیری بنیادگرایانه) که خود به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است و دینداری سنت‌گرایانه جدید (با جهت گیری بنیادگرایانه) که این نوع دینداری نیز به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است، طبقه‌بندی نموده است.

منظور از اصطلاح سکولاریسم عبارت است اعتقاد به استفاده از هر بینشی به صورت باز و از هر نوع ایدئولوژی سوای اسلام در اکثر عرصه‌های حیات عمومی. افراطی‌ترین شکل سکولاریسم عبارت است از آن دسته از اندیشه‌ها که در صدد است تا در سراسر عرصه‌های عمومی و خصوصی جایگزین اسلام شود و به تعبیر دیگر، خواهان حذف دین از تمامی عرصه‌های زندگی است. البته چنین سکولاریسم افراطی و حداکثری در کشورهای مسلمان غیر متعارف است. شکل رایج‌تر آن سکولاریسم معتدلی است که در پی تفکیک مذهب از سایر شئون زندگی عمومی است و ضرورتاً غیر مذهبی نیست و به مذهب به عنوان جزئی ضروری از هویت ملی احترام می‌گذارد و حتی می‌تواند همه مراسم عبادی اسلامی را اقامه کند و در زندگی شخصی خود از یک مجموعه اخلاق اسلامی پیروی کند (شپرد، ۱۹۸۷: ۳۰۹ - ۳۱۱).

تجددگرایان اسلامی معتقدند که اصول اجتماعی اسلامی ظرفیت توسعه و توانایی هم‌عرض با زمان را دارند. این نوع دینداری بعد از سکولاریسم بیشترین نزدیکی را به مدرنیته دارد و انعطاف پذیری زیادی برای عقل و اجتهاد و میدان وسیعی برای نظرات انسانی قائل است. به عبارت دیگر در تقابل اسلام و مظاهر مدرن اصالت را به مدرنیته می‌دهد و می‌خواهد اسلام را مدرن کند براین اساس به شدت عقل گراست.

اسلام‌گرایان رادیکال معتقدند که اسلام برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی مردم برنامه دارد. در مواجهه با مظاهر مدرنیته معتقدند که مدرنیته بایستی اسلامی شود، لذا از مدل‌های غربی از آنجا که بتوان آنها را اسلامی نمود استفاده می‌نماید. استفاده از عقل و اجتهاد را در مواردی می‌پذیرند که نص صریح و معتبر درباره آنها وجود نداشته باشد. خواهان اجرای سریع و انقلابی اسلام و در موارد لزوم توأم با خشونت در جامعه هستند. پیشرفت غرب را در جنبه‌های مادی می‌پذیرند ولی اعتقاد دارند که پیشرفت همه جانبه تنها با اسلام امکان پذیر است.

سنت‌گرایان کسانی هستند که احساس می‌کنند راه‌های مقبول گذشته برای تغییر کافی است. زمانی که سنت‌گرایی در صدد درگیر شدن عمیق با مسائل غربی می‌شود تبدیل به سنت‌گرایی جدید می‌شود. سنت‌گرایی جدید هم می‌تواند به دو شکل افراطی طردگرا و همسازگرا لحاظ گردد (شپرد، همان: 319).

لازم به ذکر است که انواع فرعی نوع شناسی شپرد حذف شده و در دینداری سکولار نیز فقط ویژگی‌های سکولاریسم معتدل مدنظر قرار گرفته است. برای عملیاتی کردن مفهوم دینداری برای هر کدام از مؤلفه‌های دینداری (نحوه تلقی از ایده پیشرفت در غرب، گرایش‌این جهانی یا آن جهانی، تأکید بر عمل یا تفکر، نوع تلقی از دین، نحوه مواجهه اسلام با مدرنیته، نحوه تلقی از سنت اسلامی و ...) چهارده سوال پنج گویه‌ای که هر گویه معرف نوع خاصی از دینداری پنج گانه بود، طرح و به پاسخگویان ارائه و از آنها خواسته شد که در هر مورد فقط یکی از گویه‌ها که با نظر آنها بیشتر تطبیق می‌کند را انتخاب نمایند. در هر سوال برای گویه‌های سکولار (نمره یک)، تجددگرا (نمره دو)، اسلام‌گرایی رادیکال (نمره سه)، سنت‌گرایی جدید (نمره چهار)، سنت‌گرایی طردگرا (نمره پنج) در نظر گرفته شد. لذا با جمع نمرات انتخابی از 14 سوال دامنه تغییرات این متغیر از 14 تا 70 خواهد بود و در سطح فاصله‌ای قابل اندازه‌گیری است.

یافته‌ها

در این قسمت به نتایج بدست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی اشاره می‌شود. توصیف کلی جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد 86,9 درصد پاسخگویان از دانشگاه تهران و 13,1 از دانشگاه شاهد می‌باشند. از نظر جنس 48,2 از پاسخگویان زن و 51,8

از آنان مرد می باشد. از نظر سن، 55,2 پاسخگویان در گروه سنی 18 تا 23 ساله قرار دارند، 35,9 در گروه سنی 24 تا 29 ساله، 8,9 درصد در گروه سنی 30 تا 35 قرار دارند. از نظر تأهل 86,3 دانشجویان مجرد و 12,6 درصد متأهل بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی 42,7 پاسخگویان مقطع تحصیلی شان کارشناسی، 29,6 مقطع تحصیلی شان کارشناسی ارشد و 27,7 مقطع تحصیلی شان دکتری می باشد.

نگرش به عدالت اجتماعی

مطابق جدول و نمودار، در دانشگاه شاهد اکثر پاسخگویان یعنی 22 نفر (44 درصد) نگرششان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی و کمترین آنها 8 نفر (16 درصد)، نگرششان به عدالت اجتماعی لیبرالیستی می باشد. همچنین 20 نفر (40 درصد)، نگرششان به عدالت اجتماعی رالزی می باشد. در دانشگاه تهران اکثر پاسخگویان یعنی 124 نفر (37,3 درصد) نگرششان به عدالت اجتماعی لیبرالیستی و کمترین آنها 98 نفر (29,5 درصد)، نگرششان به عدالت اجتماعی ترکیبی (رالزی) می باشد. همچنین 110 نفر (33,1 درصد)، نگرششان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی می باشد.

جدول 4: توزیع فراوانی و درصد نمونه برحسب نگرش به عدالت اجتماعی دانشجویان

دانشگاه شاهد		دانشگاه تهران	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
22	44	110	33,1
20	40	98	29,5
8	16	124	37,3
50	100	332	100

نوع دینداری

مطابق جدول و نمودار، در دانشگاه شاهد اکثر پاسخگویان یعنی 28 نفر (56 درصد) نوع دینداری شان اسلام گرایی رادیکال و کمترین آنها 1 نفر (2 درصد)، نوع دینداری شان سنت گرایی طردگرا می باشد. همچنین هیچ پاسخگویی در دانشگاه شاهد دارای دینداری سکولاریستی نبوده است. در دانشگاه تهران نیز اکثر پاسخگویان یعنی 178 نفر

(53,6 درصد) نوع دینداری شان اسلام گرایی رادیکال و کمترین آنها 11 نفر (3,3 درصد)، نوع دینداری شان سکولاریستی معتدل می باشد.

جدول 5: توزیع فراوانی و درصد نمونه برحسب نوع دینداری دانشجویان

دانشگاه شاهد		دانشگاه تهران	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
-	-	11	3,3
6	12	97	29,2
28	56	178	53,6
15	30	46	13,9
1 ¹⁵	2	-	-
50	100	332	100

نتایج استنباطی

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین نوع دینداری پاسخگویان با نگرش آنها به عدالت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

بررسیهای آماری نشان می‌دهد میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی در میان دینداری سکولاریسم (برابر با 46,21) و میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی در میان دینداری سنت‌گرایانه (برابر با 38,88) می باشد همچنین میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی در میان دینداری رادیکالیسم اسلامی (برابر با 42,74) می باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه حاکی از آن است که آماره F برابر $F = 9,03$ و سطح معناداری برابر با $(=sig\ 0,000)$ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معنی داری بدست آمده از سطح معنی داری مورد نظر ما $(sig = 0,05)$ کوچکتر است، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت با اطمینان 99 درصد بین نگرش به عدالت اجتماعی دانشجویان با نوع دینداری آنها به لحاظ آماری تفاوت وجود دارد.

¹⁵ با توجه به اینکه سنت‌گرایی و سکولاریسم دارای فراوانی کم بود و قابل مقایسه با سایر گروه‌ها نبود، لذا در آزمونهای آماری به ترتیب با سنت‌گرایی جدید و تجدد گرایی تلفیق شد.

جدول 6: توصیف آماری نگرش به عدالت اجتماعی پاسخگویان بر حسب انواع دینداری

انواع دینداری	تعداد	میانگین	مقدار F	سطح معنی داری
دینداری سکولار / تجددگرا ¹⁶	114	46,21	9,03	0,000
دینداری رادیکالیسم اسلامی	206	42,74		
دینداری سنت گرایانه	62	38,88		
جمع	382	43,15		

استفاده از آزمونهای شفه و L.S.D در این باره بیانگر آن است که کسانی که نوع دینداری‌شان سکولار / تجدد گرا می باشد به طور معناداری در مقایسه با کسانی که دینداری‌شان رادیکالی (sig = 0,02) و سنت‌گرایانه (sig = 0,000) می باشد نگرششان به عدالت اجتماعی لیبرالی‌تر است. در حالی که کسانی که دینداری‌شان سنت‌گرایانه است نگرششان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی‌تر است. با توجه به نتایج می‌توان گفت که میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی دینداری سکولار / تجددگرا در مقایسه با دینداری رادیکالیسم برابر با 3,46، و در مقایسه با دینداری سنت‌گرایانه برابر با 7,32- می باشد. همچنین میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی دینداری رادیکالیسم در مقایسه با دینداری سنت‌گرایانه برابر با 3,85 می باشد.

جدول 4- 22: نتایج آزمون شفه و L.S.D پیرامون نگرش به عدالت اجتماعی و انواع دینداری

آزمونهای پسین	انواع دینداری	دینداری سکولار / تجددگرا	دینداری رادیکالیسم	دینداری سنت‌گرایانه
آزمون Scheffe	دینداری سکولار / تجددگرا	-	S = 0,02	sig = 0,00
	دینداری رادیکالیسم	M = 3,46	-	sig = 0,05
	دینداری سنت‌گرایانه	M = - 7,32	M = 3,85	-
آزمون L.S.D	دینداری سکولار / تجددگرا	-	sig = 0,008	sig = 0,000
	دینداری رادیکالیسم	M = 3,46	-	sig = 0,01
	دینداری سنت‌گرایانه	M = - 7,32	M = 3,85	-

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین جنس پاسخگویان با نگرش آنها به عدالت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

¹⁶ از آنجایی که تعداد دینداری سکولار بسیار اندک بوده و از طرف دیگر دینداری تجددگرا به سکولاریسم نزدیک می‌شود دینداری تجددگرایی با دینداری سکولاریستی معتدل تلفیق گردید.

بررسیهای آماری نشان می دهد میانگین نمره نگرش زنان به عدالت اجتماعی (برابر با 37,80) و میانگین نمره نگرش مردان به عدالت اجتماعی (برابر با 48,11) می باشد. نتایج آزمون t حاکی از آن است که میان نگرش زنان و مردان به عدالت اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد به طوریکه نگرش زنان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی تر از مردان می باشد.

جدول 7: نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون نگرش به عدالت اجتماعی بر حسب جنس

نگرش به عدالت اجتماعی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	آزمون T دو نمونه مستقل	Sig (سطح معناداری)	درجه آزادی (df)
زن	184	37,80	9,48	0,69	-9,99	0,000	379,28
مرد	198	48,11	10,66	0,75			

به طور کلی با توجه به نظریه محرومیت و اینکه در جامعه ما نگرش مرد سالارانه غالب است و زنان محروم تر از مردان اند و مورد تبعیض جنسیتی قرار می گیرند لذا احتمالاً بیشتر از مردان به دیدگاه برابری خواهی تمایل دارند. شبیه همین نتیجه یعنی تفاوت زنان و مردان در نگرش به عدالت اجتماعی را می توان در تحقیقات دیگر نیز مشاهده کرد. (ن. ک. حسینی، 1386)

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین سن دانشجویان و نگرش آنها به عدالت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر سن با نگرش به عدالت اجتماعی حاکی از آن است که بین نگرش دانشجویان به عدالت اجتماعی بر حسب سن شان رابطه معنی داری وجود دارد به طوریکه هر چه سن افراد بالاتر می رود نگرش آنها به عدالت اجتماعی لیبرالیستی تر می شود و با کاهش سن، انتظار می رود نگرش آنها سوسیالیستی تر شود. زیرا احتمالاً افراد در سنین پایین تر نگرش های احساسی تر و در سنین بالاتر نگرش های متعادل تر و عقلانی تری نسبت به مسائل اجتماعی دارند و بیشتر به دنبال منافع خودشان هستند. همانطور که در دیدگاه لیبرالیستی هم چنین نگرشی وجود دارد. همین رابطه نیز در تحقیق حسینی بین سن و نگرش به عدالت اجتماعی بدست آمده است. همچنین در تحقیق رابینسون و بل نیز رابطه معناداری بین سن و عدالت اجتماعی بدست آمده بطوریکه سن با درک سوسیالیستی از عدالت اجتماعی رابطه معکوس دارد (میرسندسی، 1375: 149-50).

جدول 9: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن با نگرش به عدالت اجتماعی

نگرش به عدالت اجتماعی / سن	آزمون آماری
0,10	ضریب همبستگی پیرسون
0,05	سطح معناداری
382	تعداد معتبر

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده در مجموع ملاحظه گردید که از لحاظ نگرش به عدالت اجتماعی، نگرش دانشجویان دانشگاه تهران به عدالت اجتماعی لیبرالیستی‌تر از دانشجویان دانشگاه شاهد به عدالت اجتماعی می باشد. با توجه به اینکه در دانشگاه شاهد گزینش وجود دارد و افراد بر حسب فاکتورهایی از جمله دینداری، مصاحبه، آزمون کتبی و ... در دانشگاه پذیرش می شوند لذا احتمالاً به همین دلیل نگرش آنها به عدالت اجتماعی سوسیالیستی‌تر می باشد ولی از آنجایی که در دانشگاه تهران افراد از لحاظ پذیرش در دانشگاه آزادی بیشتر و محدودیت کمتری دارند احتمالاً به همین دلیل نگرش آنها بیشتر به سمت لیبرالیستی و فردگرایی سوق پیدا می‌کند.

همچنین نتایج بیانگر این بود نوع دینداری دانشجویان به عنوان یک نظام ارزشی عمده در جامعه در نگرش آنها به عدالت اجتماعی مؤثر است. بررسیهای آماری نشان داد که نگرش دینداران سکولار/تجددگرا به عدالت اجتماعی نسبت به سایر انواع دینداری لیبرالی‌تر بود در مقابل نگرش دینداری سنت‌گرایانه به عدالت اجتماعی نسبت به سایر انواع دینداری سوسیالیستی‌تر بود. بر طبق نظریه رالز و کانت عدالت و دین امری فردی و عقلانی می باشد همانطور هم که در اینجا دیده می‌شود کسانی که دینداری شان سکولار/تجددگرا می باشد و بیشتر پایبند اصول عقلانی هستند و معتقدند دین را نباید در حوزه‌های مختلف وارد کرد و دین یک امر فردی است دیدگاهشان به عدالت اجتماعی نیز لیبرالیستی می باشد یعنی طرفدار تخصیص و توزیع منابع و امکانات مطابق با ارزش‌های فردگرایی و توجه به شایستگی و استحقاق افراد می باشند. اما کسانی که دینداری سنت‌گرایانه دارند و می خواهند دین در همه جا حضور پررنگ داشته باشد و فقط به دین توجه می‌کنند دیدگاهشان به عدالت اجتماعی نیز سوسیالیستی می باشد یعنی عدالت اجتماعی را امری جمعی دانسته و خواستار توزیع برابر امکانات می باشند. همین تفاوت را می‌توان در تحقیق علیخواه نیز مشاهده نمود (ن.ک، علیخواه، 1387). در اینجا نیز بین میزان بنیادگرایی دینی و

گرایش به عدالت و آزادی تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی هر چه میزان بنیادگرایی (سنت‌گرایی) فرد افزایش یابد گرایش او به عدالت و آزادی کمتر می‌شود. در جامعه ما دین مقدم بر عدالت می‌باشد و دین منبع اخلاق و ارزش‌هاست لذا عدالت سرچشمه الهی داشته و در چارچوب دین و شریعت اسلامی قابل تعریف می‌باشد. براین اساس با توسل به نظریه‌های مدرن عدالت نمی‌توان عدالت مورد نظر نظام اقتصادی اسلام را محقق ساخت اما شاید نگرش به عدالت اجتماعی در بعضی از قراءت‌های دینی همپوشانی زیادی با نظریه‌های مدرن عدالت داشته باشد به همین دلیل بهتر است نظریه‌ای در باب عدالت توسط متخصصین جوسوی و دانشگاهی جامعه خودمان ساخته شود که با فرهنگ و جامعه ما همخوانی داشته باشد تا بتوانیم با برنامه ریزی‌های بهتر به تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت دست یابیم. همچنین برای آنکه نظریه عدالت بتواند سرمشق و راهنمای نظام سیاسی قرار گیرد و در عمل با توفیق همراه شود، نیازمند توافق ذهنی مردم یا همراهی بدنه اجتماع در درک از عدالت نیز هست. لذا تحقیقات تجربی بیشتر در این زمینه در سطح جامعه نیاز است تا به دیدگاه‌های مردم و نه صرفاً دانشجویان دست یابیم تا بتوانیم راهبرد عدالت در جامعه ایران را بر پایه این دو پشتوانه نظری و نگرش‌های مردمی، تدوین نمود. راهبردی که اجرایی کردن آن بیشترین حمایت‌ها را - به طور طبیعی - به دنبال خواهد داشت.

منابع

- تیندر، گلن (1374). تفکر سیاسی. ترجمه محمود صدری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حقیقت، سید صادق (1376). اصول عدالت سیاسی. فصلنامه نقد و نظر. سال سوم. شماره دو و سه.
- دواس، دی‌ای (1376). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- دیرباز؛ عسکر. مه‌ری؛ هژیر (1389). نسبت نظریه عدالت جان رالز با فلسفه اخلاق کانت و فلسفه حق هگل. الهیات تطبیقی (پژوهشی علمی). سال اول. شماره چهارم.
- ذوالفقاری، ابوالفضل (1389). دین و دموکراسی. تهران: امیدان.
- رالز، جان (1383). عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- سرایبی، حسن (1372). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری. تهران: انتشارات سمت.

عیوضلو، حسین (1389). مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام، دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره دوم، صص 5 تا 26

کانت، امانوئل (1374). دین طبیعی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، نشر: ارغنون، گنجی، اکبر. روشنفکری دینی و مسائل نابرابری و فقر، رادیو زمانه، 1391/6/11. آدرس: www.gooya.com/Politics.

میرسندسی، سید محمد، (1375). عوامل موثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری). «مطالعه موردی شهر مشهد». تهران: دانشگاه تربیت مدرس. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی.

میرسندسی، محمد (1383). «میزان و انواع دینداری دانشجویان». پایان نامه دکتری رشته جامعه شناسی. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

ناقد، خسرو (1386). نکاتی پیرامون مفهوم عدالت، روزنامه اعتماد، هشتم بهمن ماه، شماره: 1601. وبر، ماکس (1381). اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، وحیدنیا، آزاده (1388). عوامل اجتماعی موثر بر درک از عدالت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی.

هزار جریبی، جعفر (1390). بررسی حساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی چهل و سوم، شماره سوم، صص 41-62.

همیلتون، ملکم (1377). جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
Graham, Gordon (1988). Contemporary Social Philosophy. Oxford: Blackwell.

Kolm, S.C (1996). Modern Theoris Of Justice The MIT Press.

Murnion, W (1989). "the Ideology of Sourl Justice in Economic Justice for all". JournalOf Business ethics, v8.

Rasinski, K .A (1987). What is Fair is Fiar - or - is it?.Journal of Presoality and Social Psychology.No. 53.Pp. 201- 211.

Shepard, E.William (1987). Islam and Ideology: Towards a typology International Journal of Middle East Studies. Vol. 19.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده بهشت و خرداود ۱۳۹۳

Shepard, E.William (2004). The Diversity Thought : Towards a typology in Islamic Thought in the Twentieth century, edited by SuhaTaji – Faruki and BasheerM.Nak , I.B. Towris.
Silver, M (1989).Foundations of Economics Justice, Basil Blackwell.